

اسلام اروتیک، اسلام زن باره

مهدی خلجی - سایت کتابچه

هیچ موضوعی به اندازه مسأله زن برای اسلام امروز در دسر نساخته است. مسلمان‌ها با انواع و اقسام نظام‌های اقتصادی کنار آمده‌اند، وارد مبادلات پیچیده مالی و پولی با دارالکفر شده‌اند و همین‌طور از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک غرب بهره می‌گیرند. به هیچ جای اسلام‌شان هم بر نمی‌خورند. برای استبدادشان از اسلام حجت می‌آورند و برای دموکراسی دینی‌شان هم در فقه نواندیشی می‌کنند و روشنفکران دینی را به میدان می‌فرستند. خیلی از احکام فقهی را هم به راحتی می‌توانند وانهند. اگر فشارهای بین‌المللی افزایش پیدا کند در عربستان و ایران اجرای حدود در ملاً عام می‌تواند متوقف شود. می‌شود بسیاری از احکام فقهی را عمل نکرد و شریعت را نوسازی کرد و در عین حال به سنت دینی وفادار ماند. به سخن دیگر بسیاری از گزاره‌های دینی را به خطا یا صواب می‌شود تأویل‌های امروزی کرد. اما یک مسأله هست که به هیچ روی تأویل‌پذیر نیست، بله "آزادی زن". آزادی زن یعنی آزادی تن او، احترام به حقوق انسانی و حذف هرگونه تبعیض درباره وی. اگر مسلمانان آزادی زن را به این معنا بپذیرند، دیگر هیچ چیز از شریعت‌شان باقی نمی‌ماند. یعنی اگر فقهی بگوید زن حق دارد خود را بیوشد یا نپوشد و در حقوق دیگر مانند مرد است، دیگر دلیلی وجود ندارد با همان روشی که این گزاره‌ها را صادر می‌کند، دیگر احکام عقود و ایقاعات و معاملات و حدود و قصاص و بسیاری از احکام عبادات را هم ملغی اعلام نکند. همه اقتدار فقیهان از قدرتی می‌آید که بر زنان اعمال می‌کنند. فقیهان در برابر مسأله زنان مقاومت می‌کنند زیرا می‌دانند که اگر صلاحیت آن‌ها برای اظهارنظر درباره مسأله زن نفی شود، دیگر هیچ گونه اقتداری نخواهند داشت. بنابراین، من به آینده شریعت اسلام هیچ امیدی ندارم، چون به آینده جنبش و تلاش زنان مسلمان بسیار امیدوارم. بنیادگرایان اسلامی هیچ دشمنی به خیرگی و سرسختی زنان ندارند. بنیادگرایان خواستار بازگشت به گذشته و به بنیادهای اسلام هستند ولی زنان در پشت سر چیزی ندارند که بدان بازگردند. متفکران بسیاری استدلال کرده‌اند که مسأله زنان در جهان اسلام، مسأله زنان نیست؛ مسأله سکولاریزاسیون است. نقطه اوج عرفی کردن اسلام، بریدن دست فقیهان از دادن فتوا درباره زنان است. بنیادگرایان و سنت‌گرایان می‌گویند اسلام در طول تاریخ تحریف شده و تغییر پیدا کرده است؛ در حالی که اسلام ناب و الگوی ایده‌آل همان اسلام پیامبر و خلفای راشدین (برای اهل سنت) و امامان (برای شیعه) است. پس باید به اسلام نخستین بازگشت؛ اسلام قرون اولیه هجری که پاک و منزّه است. بسیاری از اندیشمندان غیرمذهبی هم به دلیل اندکی آگاهی‌شان از سنت اسلامی گزاره‌ها و بینش یکسانی درباره تاریخ اسلام دارند، اگرچه آن را نفی می‌کنند. اکنون می‌خواهم با آوردن نمونه‌هایی نشان دهم که اسلام اولیه بسی سکس‌اندیش‌تر و از نظر حیات جنسی بازتر از اسلام قرون متأخر بوده است. در حقیقت می‌خواهم منش غیرتاریخی تفسیرهای سنت‌گرایانه و نیز بسیاری از برداشت‌های روشنفکران را از اسلام آشکار کنم.

پیش از هر چیز دیگر بر این نکته تصریح می‌کنم که در میان کتاب‌های آسمانی که من می‌شناسم هیچ کتابی به اندازه قرآن اروتیک نیست. وعده‌های بهشت متمرکز است بر آمیزش جنسی با حورالعین و نیز پسرچه‌ها (غلمان). چشم و ابرو و اندامی که از زنان بهشتی در قرآن توصیف شده، چقدر می‌توانسته برای اعراب جزیره العرب هوس‌انگیز و اشتهاآور باشد. (در این باره به خصوص به دو کتاب از ابراهیم محمود پژوهشگر عرب بنگرید که هر دو را انتشارات ریاض الریس در بیروت چاپ کرده است: *جغرافیای لذت‌ها در قرآن* (جغرافیه المذات فی القرآن) و *سکس و قرآن* (الجنس و القرآن). در قرآن آیه‌ای هست درباره آمیزش جنسی با زنان از پشت که تفسیرهای مفصلی از آن شده

است: " نساءکم حرث لکم، فأتوا حرثکم انی شنتم"، یعنی زنان تان کشتزارهای شما هستند؛ از هر سو که خواهید به کشتزارتان درآید. فقیهان بسیاری معتقدند که حکم جواز دخول در دُبر زن را از این آیه میتوان استنباط کرد. فقیهان دیگری هم هستند که به کراهت شدید آن باور دارند. اقلیتی هم به حرمت آن فتوا داده‌اند. خود داستان یوسف و زلیخا هم آن اندازه به چشم فقیهان اروتیک به نظر می‌آمده که روایتی از امامان آورده‌اند که زنان را از خواندن سوره یوسف بازدارید و در عوض آن‌ها را به خواندن سوره نور (به خاطر آیات حجاب) وادارید. در قرآن لذت جنسی یکی از برترین لذت‌های این جهان و آن جهان شمرده شده است. از روایت‌ها و حدیث‌ها چیزی نمی‌گوییم که مدار اغلب آن‌ها بر محور جنبه اروتیک زن است و به زن به چشم یک ابزار جنسی نگاه می‌شود. محققان عرب مجموعه روایات اسلامی را درباره زن به طور مستقل گردآورده و چاپ کرده‌اند که امیدوارم روزی به فارسی ترجمه شود. همه این‌ها نشان می‌دهد که جامعه پیامبر جامعه‌ای است به شدت دل‌مشغول به سکس، به این معنا که سکس از طبیعی‌ترین و غریزی‌ترین فعالیت‌های آدمی قلمداد می‌شده است. پیش از اسلام در جزیره العرب هجده نوع ازدواج وجود داشته است، از جمله این شیوه که اگر زنی هوس خوابیدن با مردی را داشت، بر سر در خانه‌اش پارچه قرمزی می‌آویخت و مردان با این نشانه به سراغش می‌آمدند و زن با هر کدام که می‌پسندید می‌خوابید. زنی که با مردان مختلف می‌خوابید، اگر آبستن می‌شد این حق را داشت که پدر فرزندش را انتخاب کند و اغلب هم مردان از پذیرش پدری سر باز نمی‌زدند (گاهی هم انتخاب نمی‌شد مثل مورد *زیاد ابن ابیه*؛ یعنی زیاد فرزند پدرش). با پژوهش‌های صورت‌گرفته معلوم شده است که زنان پیش از اسلام و در دوره پیش از مدینه‌ی پیامبر آزادی جنسی حیرت‌انگیزی داشته‌اند. بیهوده نبود که وقتی پیامبر درگذشت، زنان اشراف مدینه در روستایی در اطراف شهر گردآمدند و جشن و پایکوبی به راه انداختند. ابوبکر آنان را روسپی خواند اما تاریخ‌نگاران امروزی اسلام ثابت کرده‌اند که آنها نمی‌توانسته‌اند کسانی جز اشراف باشند (نگاه کنید به نوشته‌های پر اهمیت *فاطمه مرنیسی*، پژوهش‌گر پرآوازه مغربی). پژوهش‌گری نامدار به نام *خلیل عبدالکریم* در مصر مجموعه‌هایی از تحقیقات و کاوش‌های بدیع صورت داده، از جمله درباره زن در اسلام. جدا از کتاب سه جلدی مهم‌اش "*شدو الریایه فی احوال الصحابه*" (نواختن ریاب، رساله‌هایی درباره یاران پیامبر) و نیز "*العرب و المرآه*" (عربان و زن، رساله‌های زیباشناختی و تاریخی درباره بینش عربان قدیم به زن) کتاب مهمی دارد با عنوان دراز "*علاقة الرجل و المرآة فی العهد المحمدی و الخلیفی، نساءکم حرث لکم، فأتوا حرثکم انی شنتم*" (جامعه یثرب، روابط میان زن و مرد در عهد محمد و خلیفه‌ها، زنان شما کشتزارهای شمایند، در کشتزارهاتان درآید از هر جا که خواهید). *خلیل عبدالکریم* در این کتاب کوچک تنها بر روایت‌هایی تکیه کرده که از نظر سند، هیچ فقیهی در گذشته و اکنون نمی‌تواند در صحت آن تردید کند. نویسنده کتاب تلاش کرده تصویری از جامعه یثرب دوران پیامبر و نیز دوران ابوبکر و عمر به دست دهد، از معبر حیات جنسی آن جامعه. عبدالکریم نشان می‌دهد که چگونه پیامبر با وضع قوانینی درباره زندگی جنسی، مشکلات سختی با زنان داشته و نیز چگونه از این راه جامعه یثرب را به مدینه‌ی النبی تبدیل کرده است. جدا از مسأله روان‌شناسی خود پیامبر که مردی زن‌دوست و زن‌باز بود، وضع قوانین برای محدود کردن فعالیت جنسی عرب‌ها نخست هدف اصلی پیامبر نبود. بعدها و به تدریج پیامبر دریافت که برای پیش بردن دعوت او، باید فعالیت جنسی هوادارانش تحت قوانین تازه‌ای درآید و محدود شود. از جمله حکم زنا (در آغاز حبس در خانه و بعد سنگسار) در اسلام وجود نداشت تا زمانی که پیامبر رشته جنگ‌هایی را با مخالفان خود به راه انداخت. پیامبر در این غزوات ناگزیر بود مردان جوان مدینه را گردآورد و به جبهه بفرستد. پس از چند جنگ، زنان به تنگ آمدند. در همین کتاب بر پایه روایتی، آمده که زنی در کوچه‌های مدینه به راه افتاد و فریاد می‌زد که آیا مردی در شهر باقی مانده تا با من بخوابد؟ آزادی زنان در ابراز میل جنسی‌شان باعث شد که انگیزه مردان برای رفتن به جبهه تضعیف شود و بترسند از این که زنان‌شان را از دست بدهند. حکم زنا صادر شد آن هم با چه مشقت‌هایی که پیامبر برای صدور و اجرای آن داشت. *فاطمه مرنیسی* که نوشته‌های وی به زبان‌های مختلف منتشر شده، در کتاب

سکس و هندسه اجتماعی بر پایه مقایسه‌ای میان فروید و غزالی نشان داده که اساساً تصویر اسلام از زن با تصویر مسیحیت تفاوت بنیادی دارد. در اسلام زن، از نظر جنسی، اندام و روانی فعال دارد و به همین سبب، مایه فتنه مردان انگاشته می‌شود و بر اساس روایتی از امامان شیعه مهم‌ترین لشکر شیطان است. *خلیل عبدالکریم* در نوشته خود نشان می‌دهد که پیامبر به رغم تلاش‌های بسیارش، می‌کوشید فقط تا آن‌جا که به دعوتش آسیب وارد می‌شود حیات جنسی پیروانش را محدود کند، چون نه خودش به چنین محدودیتی اعتقاد داشت و نه امکان اعمال چنین محدودیتی در چنان جامعه‌ای وجود داشت. در جامعه پیامبر نه حجاب وجود داشت (حکم حجاب را عمر بنا به ضرورت‌های اجتماعی جداسازی کنیزان از زنان آزاد و به تقلید از رسم ایرانی‌ها وضع کرد) و نه جداسازی مکانی و محیطی میان زن و مرد؛ به آن صورت که بنیادگرایان اسلامی امروزه خواهان آن هستند. در قرون اولیه اسلام، زندگی جنسی بسیار آزادانه‌تر و روابط میان زن و مرد بسیار بازتر از ادعای امروز بنیادگرایان بوده است. سبب آن نه آزادی‌خواهی اسلام که طبیعت مهارناپذیر جوامع انسانی آن دوران بوده است. از این گذشته بیان مسائل جنسی برای پیامبر و امامان و گفت‌وگو با آن‌ها در این باره بسیار آسان و عادی بوده است. کسی از امام صادق پرسیده است که آیا مرد می‌تواند فرج (عضو جنسی) زن خود را ببوسد؟ امام صادق پاسخ داده چه لذتی از این بالاتر! روی همین بنیاد، ادبیات اروتیک نیرومندی در جهان و تاریخ اسلام شکل گرفت که بی‌گمان با مسیحیت قابل مقایسه نیست. امروزه مردم مسلمان و حتا نخبه‌گانشان آگاهی چندانی از این گنجینه اروتیک ندارند و بنیادگرایانی که این ادبیات را می‌شناسند، هم، به انواع شیوه‌ها از جمله حذف و سانسور و تحریف می‌کوشند تا سنت اسلامی را پیراسته از آن فرامیند. ادبیات اروتیک اسلامی، به واقع، شگفت‌انگیز است. نوشته‌های اروتیک اسلامی واقعاً قابل مقایسه با ادبیات اروتیک قدیم اروپا و نیز کشورهایمانند چین قدیم است. تنها هم نوشته نیست. آن‌ها که در غرب زندگی می‌کنند کافی است به بخش شرقی موزه‌های اروتیک بروند و ببینند چه تخیل فعال جنسی در مینیاتورهای اروتیک اسلامی به کار رفته است. ماه پیش در کپنهاک به یکی از این موزه‌ها رفتم. بسیاری از آن‌چه ما گمان می‌بریم که ابداع غربی‌های امروزی است، در واقع در تخیل مسلمانان قدیم وجود داشته؛ از سکس گروهی گرفته تا سکس لژیون‌ها، سکس هموسکس‌وئل‌ها و انواع و اقسام حالت‌های مختلف آمیزش. همه این مینیاتورهای اسلامی که به دست هنرمندان مسلمان پدیدآمده، سراسر نظام گفتار بنیادگرایان را نقض می‌کند. آن هنرمندان میناتورریست در باورشان به اسلام کمتر از بنیادگرایان صادق نبوده‌اند. در لایدن که بودم، توجهم به نسخه خطی کتابی جلب شد به فارسی که در کتابخانه ثروتمند دانشگاه نگهداری می‌شود: *لذة النساء*؛ لذتی که زنان از سکس می‌برند و لذتی که از سکس با زنان می‌توان برد. این نسخه مربوط به سال ۱۷۳۱ است، یعنی قرن هجدهم میلادی. چیزی نیست که در این کتاب یافت نشود. کتاب، متن و تصویر است؛ شبیه شاهنامه‌های قدیم. انواع و اقسام آمیزش‌های جنسی مرد با مرد، مرد با زن و زن با زن، در این کتاب با تصویر و شرح جزئیات دقیق آمده است. من عکس چند صفحه از کتاب را خریدم. از همه جالب‌تر برای من آن بخشی بود که درباره علل گرایش زنان به سکس با همدیگر (زنان لژیون) توضیح می‌داد: «از زنی پرسیدند که زنان را در سُحَق (آمیزش جنسی با زن دیگر) چه لذت حاصل می‌شود؟ گفت: زنان را شهوت بسیار است و اکثر آن است که زن را هنوز شهوت (ارگاسم) حاصل نشده باشد، مرد فارغ می‌شود؛ زن بی میل مقصود برمی‌خیزد. به این سبب زنان سُحَق را بر جماع (آمیزش با مردان) ترجیح می‌دهند». گمان نکنید که نویسندگان کتاب‌های اروتیک در اسلام مشتی ادیب از خدابرگشته ملحد بوده‌اند. مهم‌ترین کتاب‌های اروتیک به زبان فارسی و عربی به دست فقیهان نوشته شده است؛ از *لذة النفوس و متعة العروس* تفرشی گرفته که در حقیقت یک راهنمای سکس بی‌کم و کاست است، تا *دائرةالمعارف اروتیک* ارزشمند شیخ نفاوی، از فقیهان سده دهم هجری با عنوان *روح العاطر و نزهة الخاطر* که در قرن نوزدهم به فرانسه ترجمه شده و همین چند ماه پیش هم در قطع رحلی و با تصاویری بدیع (که اصل برخی از آن‌ها در موزه لوور است) در پاریس دوباره منتشر شد. *سید نعمت الله جزائری*، شاگرد برجسته علامه مجلسی در حدیث و فقه، کتابی دارد

با عنوان *زهر الربیع* (شکوفه‌های بهار). چه کسی باور می‌کند که محدث و فقیهی درباره نوزده شیوه آمیزش از پشت با زن شرح دقیق و موبه مویی بدهد؟ یا چگونگی لذت بردن از آمیزش با مردان و امردان؟ یا استفاده زنان از آلت جنسی مصنوعی مردانه در تاریخ اسلام سابقه‌ای طولانی داشته باشد؟ یا آمیزش زنان با یکدیگر چنین سنت نیرومندی پشت سر داشته باشد؟ در این کتاب‌ها روایت از پیامبر و امامان در کنار تجربه شخصی آدم‌های معروف و نیز تجربه‌های نویسنده کنار هم آمده است، با قصه و حکایت و طنز و مطایبت. واقعاً بنیادگرایان اسلامی در برابر این نوشته‌های تاریخی برای گفتن چه دارند؟ فقیهان قم و نجف که این کتاب‌ها را بر سر بالین خود می‌گذارند و شب به شب می‌خوانند، آیا می‌دانند که وقت فتوا از کدام اسلام سخن می‌گویند؟ فقیهان قدیم البته می‌دانستند. کتب فقهی قدیم را باز کنید. چقدر احکام فقهی می‌یابید درباره آمیزش با حیوانات، آمیزش با مرد با زن و استمنای (ارضای انفرادی) زن یا مرد. اینها نشان‌دهنده چیست؟ اگر فقیهان در کتاب‌های فقهی خود تنها به حکم فقهی این کارها نظر داشته‌اند، در کتاب‌های اروتیک خود تنها و تنها به لذت جنسی‌اش پرداخته‌اند. لذت جنسی در تاریخ اسلام نتوانسته حذف شود، میان زن و مرد کسی نتوانسته دیوار بکشد، غریزه طبیعی را هیچ مرجعی نتوانسته مهار کند، پس اسلام‌گرایان امروزی چرا بزرگترین دشمن خود را بدن انسان و به ویژه تن زن تعریف کرده‌اند؟ گاهی در گفت‌وگوهای شفاهی با دوستانم گفته‌ام که شاید هیچ کابوسی برای حکومت مذهبی ایران بالاتر از این نباشد که روزی پنجاه زن بی حجاب در یکی از خیابان‌های تهران جمع شوند و حکومت قدرت سرکوب آن‌ها را نداشته باشد. از یاد نبریم که **آزادی انسان روی تن‌اش بنا می‌شود.**

March 7, 2004 08:21 PM